

شهرزاد و دنیا زاد دارد و بسیار نگران است به پیشنهاد خود شهرزاد، او را به عقد پادشاه درمی‌آورد.

شهرزاد همان شب به شهریار می‌گوید که خواهر کوچک‌تری دارد که هر شب برای او قصه می‌گوید و دنیا زاد جز با قصه‌های او به خواب نمی‌رود. درخواست می‌کند همان شب خواهرش را به قصر بیاورند تا برای بار آخر برایش قصه بگوید. دنیا زاد می‌آید و شهرزاد قصه‌گویی را آغاز می‌کند، شهریار هم که مسحور این قصه شده مهلت می‌دهد فردا شب ادامه قصه را بشنود و بنابراین کشتن شهرزاد را به فردا شب می‌اندازد و این قصه‌گویی‌ها هر شب ادامه می‌یابد. شهرزاد با روایت، مرگ خود را عقب می‌اندازد. در هزار و یک شب «روایت» زندگی است، اگر کسی روایتش تمام شود زندگی‌اش به پایان رسیده است؛ مانند همه دخترانی که پیش از شهرزاد، چون روایتی نداشته‌اند مرده‌اند. اکنون شهرزاد برابر مرگ ایستاده و هر دم روایتی تازه می‌کند.

هزار و یک شب به معنای تام و تمام کلمه روایتی فانتزی از زندگی و فراز و فرود آن است. این مجموعه در واقع مهم‌ترین محصول فعالیت ذهنی قصه‌گو در ادوار مختلف تاریخی است. کتابی است که اعتقادات و آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام گوناگون در آن راه یافته و لهجه‌ها و اسلوب‌های گوناگون سخن در آن با خیالی‌ترین شکل ممکن روایت شده است. در هزار و یک شب اعتقاد به موجودات ماوراء الطبیعه و فرا واقعیت مانند ارواح، عفريت‌ها، جن‌ها، غول‌ها، دیوان و پریان نیکوکار به چشم می‌خورد که با اراده و استقلال تام خود در جریان زندگی آدم‌ها حضور فعالانه پیدا می‌کنند و حوادث شگفت‌انگیزی را رقم می‌زنند.

قصه‌ها و خاصه افسانه‌ها عرصه مبارزه و ستیز نیروهای پلیدی و پاکی هستند. نبرد خیر و شر به اشکال گوناگون در داستان‌ها محوریت اصلی دارند. بسیاری از داستان‌های هزار و یک شب عرصه جدال خدایان نجات‌بخش و اهریمنان ویرانگر است و این جدال بی‌انقطاع را در قالب نمایندگان سپیدی و سیاهی، عدل و ظلم و خیر و شر در کالبد دیو و پری، غول چراغ جادو، مرد حکیم و عفريت، حیات عبرت‌آموز یافته‌اند. دیوها و غولان در داستان‌های فانتزی مانع جدی قهرمان داستان‌ها هستند که انگیزه شخصیت اول قصه می‌شوند تا با غلبه بر آنها بشر فراموش نکند هر حرکت اصلاحی، پویایی و تلاش برای ساختن همواره موانعی غیر الهی دارد که از مواجهه با آنها نباید ترسید. اکنون پرسش جدی این است که ادبیات فارسی با آن پیشینه جدی و غیرقابل اغماض در داستان‌نویسی معاصر از گونه ادبیات فانتزی چه در چنته دارد؟

پس از پایان سال‌های جنگ و در پی دهه ۷۰ شمسی به این سو بازار نشر و کتاب ایران پر شد از آثار فانتزی ترجمه شده از زبان‌های دیگر. ترجمه آثار برجسته فانتزی جهان همچون آثار رولد دال، میشل آنده، شل سیلور استاین، جان کریستوفر، آسترید لیندگرن، تالکین، سی.اس. لوئیس و... گواهی بر این مدعاست.

خوشایند نویسنده این سطور نیست که این موضع را صریح بیان کند، اما واقعیت این است که در زمینه خلق آثار بومی در این زمینه به شدت کم‌کار و تهیدست هستیم. ادبیات غنی ایران زمین مملو از سوزنه‌هایی هستند که می‌توانند سال‌ها بخشی از تاریخ و فرهنگ ایران را در قالب داستان‌های فانتزی به نسل جوان و نورسیده منتقل کنند سوزنه‌هایی که چشم انتظار انتخاب نویسندگان وطنی معطل مانده‌اند تا شاید نویسنده‌ای از راه برسد و گوشه چشمی به آنها بکند. هر چند نمی‌توان و نباید چشم بر تلاش‌های صورت گرفته بست، اما بضاعت ما کجا و داشته‌های اکنون ما کجا؟

من نمی‌دانم آیا روزی می‌رسد که برای انتخاب کتاب داستان فانتزی بومی و ایرانی از شدت کثرت عناوین و تنوع سردرگم شویم؟ امیدوارم برسد...



من و دوستان غولم

جای خالی حضور غول‌ها و دیوها در ادبیات داستانی معاصر
با وجود پیشینه ادبیات کهن در خیال‌پردازی غولی

سوی تجربه‌ها می‌اندیشند و در تلاش‌اند با ایجاد حیرت و شگفتی، انسان محاط در عالم علم و خرد را در سرزمین داستان به آرزوهای ناممکن خود برسانند.

پس در واقع «فانتزی» گونه‌ای در ادبیات است که عناصر غیرواقعی و خیالی در آن به عنوان درونمایه اصلی داستان استفاده می‌شود. گویی که این موجودات، قوانین و ساختارهای خیالی، واقعیت دارند و اساس داستان با این پیش فرض، شکل می‌گیرد. این گونه ادبی حدود دو قرن پیش، هنگامی که پایه‌های دنیای نو نهاده‌اند گردید، در غرب متولد شد. نیاز روانی انسان مدرن، محصور در عصر خرد و علم، به دنیایی بی‌دغدغه و آرام، او را واداشت که این بار، تخیل شگفت خود را در کالبدی نو یعنی فانتزی زنده کند.

نخستین فانتزی‌ها در غرب، در قرن نوزدهم، در بریتانیای عصر ویکتوریا خلق شدند. با گذر زمان و فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در دیگر کشورها همچون آمریکا، ایتالیا، فرانسه، سوئد و آلمان نیز فانتزی‌های ارزشمندی به نگارش در آمدند.

حالا باید قدمی دیگر برداریم و ببینیم که ادبیات داستانی ایران در این نوع ادبی چه داشته تاریخی دارد.

اگر بخواهیم با نگاهی منصفانه به موضوع این یادداشت نگاه کنم باید بگویم ایران ما فارغ از ادعاهای ناسیونالیستی افراطی، پیشینه فرهنگی جدی و غیر قابل اغماضی دارد که هر سمت و سویی از فرهنگ را که بگیریم به ریشه‌ها و پیشینه بومی مهمی می‌رسیم. خاصه در ادبیات که در بسیاری از جهات بکه‌تاز بلامنازع هستیم. اما در عین حال هم باید توجه داشت که ادبیات داستانی ژانر یا گونه‌های متعدد و متنوعی دارد که قوت ما در همه آنها یکسان نیست.

وقتی بناست که داشته‌های تاریخی‌مان را در زمینه ادبیات فانتزی یا خیال‌پردازانه شمارش کنیم داستان‌های هزار و یک شب یکی از گزینه جدی و قابل تأمل است. ماجرای هزار و یک شب شب چیست؟

آغاز داستان چنین است که همسران دو شاهزاده برادر، به نام‌های شهریار (شهرباز) و شاه زمان، به آنان خیانت می‌کنند، شاه زمان ترک پادشاهی کرده و راهی دیار برادر می‌شود و شهریار هم به انتقام خیانت همسرش هر شب دختری را به نکاح درمی‌آورد و بامداد دستور قتلش را می‌دهد. تا این که دیگر دختری در شهر نمی‌ماند و وزیر شهریار که دو دختر به نام‌های

مبل‌های خانه ما در زمان کودکی

من مبل استیلی بودند که تاجی از چوب گردو داشتند. تاج آنها دو حفره داشت که من آنها را مثل چشم می‌دیدم.

مبل‌ها برای من غول‌هایی در خدمت بودند. هر چه دستور می‌دادم اجرا می‌کردند. اگر یکی از آنها نافرمانی می‌کرد بقیه غول‌ها او را تنبیه می‌کردند. هیچ‌کس از بازی و گفت‌وگوی خیالی من با دوستان غولم که در واقع مبل‌های پذیرایی منزلمان بودند خبر نداشت. راستش را بخواهید هنوز هم خبر ندارند و این اولین مرتبه‌ای است که من پرده از این خیال‌پردازی کودکانه بر می‌دارم.

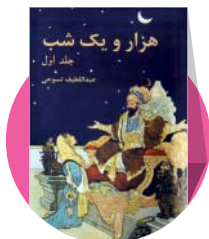
عالم بچگی بود و خیال‌پردازی‌هایش. این روابط خیالی با من ماندند تا این که دو سه سال بعد مادرم برای من یک مجموعه از داستان‌های هزار و یک شب را خرید. کتاب داستان مصور بود و مملو از قصه‌هایی که در فضایی خیال‌پردازانه یا همان فانتزی مصطلح جریان داشتند. دیو و پری و علاءالدین و غول چراغ جادو و کلی داستان دیگر قوه خیال را مانند پرندای سبکبار به سرزمین‌های ناکجا آباد می‌برد و گاهی هم در همان عالم بچگی یک ترس مرموز زیر پوست کودکی‌ات تزریق می‌کرد.

اینجا باید در کنار هم یک قدم برداریم و به این پرسش پاسخ دهیم که این داستان فانتزی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ ما اصلاً به چه نوع داستانی می‌توانیم فانتزی اطلاق کنیم؟

نیاز عمیق انسان، چه در اعصار گذشته و چه در دنیای نو، به خیال‌پردازی و بیان آرزوهای دست‌نیافتنی انکارناپذیر است. انسان، همیشه با استفاده از نیروی خیال به خلق موقعیت‌های غیر حقیقی و دلخواهی پرداخته است که در آنها از محدودیت و اضطراب دنیای واقعی نشانی نباشد. انسان عصر کهن برای آرامش، به اسطوره‌ها، حماسه‌ها، افسانه‌ها و قصه‌ها پناه می‌برد و انسان عصر مدرن، آرزوهای دور و دراز خود را در قالب فانتزی عیان می‌کند. فانتزی، تخیلی‌ترین گونه داستانی است. در فانتزی، نویسندگان با گذر از جهان واقع و نقض قوانین و چارچوب‌های جاری و دست و پاگیر آن، جهانی ثانوی با قواعد نو خلق می‌کنند. جهانی که مملو از عناصر و حوادث شگفت‌انگیز، موجودات خارق‌العاده و فضایی خیالی است. فانتزی‌نویسان در این آثار به اکتشاف در آن

آزاده جهان احمدی

مدرس دانشگاه



هزار و یک شب
به معنای تام و تمام
کلمه، روایتی فانتزی از
زندگی و فراز و فرود آن
است. این مجموعه
در واقع مهم‌ترین
محصول فعالیت
ذهنی قصه‌گو در ادوار
مختلف تاریخی است